بسم الله الرحمن الرحیم

 گونه‌شناسي مباحث مهدويت در فرمایشات امام رضا(ع)

**نگارنده:**

**خدامراد سلیمانیان**

**چکیده**

**مهدويّت به عنوان اعتقادي اساسي همواره در ميان باورهاي اسلامي مورد اهتمام و توجه پيشوايان و بزرگان دين بوده و هست.**

**اگر چه اقتضا و شرايط و نيز مخاطبين هر دوران سبب شده تا از مجموع معارف مهدوي در هر دورة، بخشي مورد اهتمام و تأكيد قرار گيرد. والبته اين بحث با پشت سر نهادن فراز و فرودهايي همچنان رو به رشد و گسترش است.**

**در ميان ميراث گرانسنگ روايي موجود روايات وجود مقدس ثامن الحجج علي‌بن موسي الرضا (ع) سهم چشم‌گيري در مباحث مهدوي داشت.**

**البته شمار محدود اين روايات سبب شده تا بسياري از مباحث مهدويت در سخنان آن امام همام انعكاس نيابد اما هر آنچه در فرمايشات آن بزرگوار آمده، غنيمتي است ارزشمند كه بررسي آن مي‌تواند افق‌هاي روشن‌تري را در اين مباحث فراروي مشتاقان بگشايد.**

**در اين نوشتار بر اساس سير تاريخي مباحث مهدوي با بهره‌مندي از سخنان آن امام همام به مباحث يادشده در كلام نوراني امام هشتم عليه الصلاه و السلام پرداخته شده است. که از اين قرار است:**

**1ـ ولادت حضرت مهدي(عج)**

**در بحث مربوط به ولادت آن حضرت به موضوعاتي چون:**

**ـ فلسفة مخفي بودن ولادت حضرت**

**ـ امتحان شيعيان**

**پرداخته شده است.**

**2ـ ويژگي‌هاي حضرت مهدي(عج)**

**در بحث ويژگي ها به موضوعات زير اشاره شده است:**

**ـ حرمت نام بردن**

**ـ خاتميت مهدي**

**3ـ غيبت حضرت مهدي(عج)**

**در بحث غيبت موضوعاتي از اين قرار بحث شده است:**

**ـ چگونگي غيبت**

**ـ فلسفه غيبت**

**در بحث فلسفه غيبت آن حضرت به اين موارد اشاره کرده‌اند:**

**ـ زير بيعت كسي نبودن**

**ـ آزمايش‌هاي سخت**

**ـ خضر از همراهان مهدي در عصر غيبت**

**4ـ انتظار حضرت مهدي(عج)**

**در موضوع مهم انتظار آن حضرت به بحث فضيلت انتظار فرج پرداخته است:**

**5ـ اشتياق امام رضا(ع) به حضرت مهدي(عج)**

**که در برخورد امام رضا در برابر شعر دعبل به روشني بيان شده است.**

**6ـ ظهور حضرت مهدي(عج)**

**در بحث ظهور به موارد زير پرداخته شده است:**

**ـ ويژگي‌هاي جسماني مهدي هنگام ظهور**

**ـ نشانه‌هاي ظهور**

**ـ نداي آسماني**

**ـ امدادهاي الهي در عصر ظهور**

**ـ نزول فرشتگان**

**7ـ قيام حضرت مهدي(عج)**

**ـ انتقام حضرت مهدي از قاتلان امام حسين(ع)**

**8ـ رجعت**

**9ـ نزول حضرت عيسي(ع)**

**مقدمه**

**مهدويّت به عنوان باوري سترگ و تأثيرگزار در ميان باورهاي اسلامي از همان سال‌هاي نخستین بعثت پيامبر خاتم (ص) و ظهور اسلام در كانون اهتمام و توجه پيشوايان و بزرگان دين قرار گرفت؛ به گونه‌اي كه رسول گرامي اسلام (ص) در هر فرصت و مناسبتي مردم را متوجه اين آموزة الهي مي‌كرد و به ظهور عدالت‏گستر موعود، در آخرالزمان بشارت مي‏داد.**

**پس از پايان رسالت پیامبر اكرم (ص) اين راه همچنان به وسيلة امامان معصوم (ع) با قوّت و قدرت هرچه بیشتر به تناسب شرايط هر امام ادامه يافت.**

**البته اقتضا و شرايط و نيز مخاطبين هر امام سبب شد تا از مجموع معارف مهدوي در دورة هر امام، به بخشي از آن پرداخته و تأكيد شود. برخي از امامان مجال كمتر و برخي ديگر فرصت بيشتري براي سيراب كردن تشنگان از اين درياي بي‌كران در اختيار داشتند. اگر چه اين بحث فراز و فرودهايي را پشت سر نهاد اما هرگز به افول نزديك نشد كه بر دامنة آن گسترده شد. بويژه در دوران پيشواياني كه به هر دليل از آزادي بيشتري در بيان آموزه‌هاي ديني برخوردار شدند.**

**در زمان امام باقر و امام صادق (ع) اين مجال و فرصت به اوج خود رسيد و آن دو امام بزرگوار ضمن تبيين، تشريح، پالايش و پيرايش آموزه‏هاي اسلامي در زمينه‏هاي مختلف اعتقادي، اخلاقي و فقهي و تحکيم پايه‏هاي ايماني پيروان خود، تلاش فراواني براي توسعه و تعميق اعتقاد به مهدي موعود و فرهنگ انتظار در ميان شيعيان نمودند و با به جا گذاردن صدها روايت در اين زمينه، سهم بي‌مانندي در نگه‌داشت اين باور به خود اختصاص دادند.**

**سوكمندانه پس از اين دو امام همچون گذشته رفته رفته، پيشوايان معصوم در تنگناهايي شديد قرار گرفته در بيان معارف ديني دچار محدوديت‌هايي شدند؛ اما با وجود اين همچنان روايات مهدوي ميراث نويدبخش و گرانسنگي بود كه از ناحية رهبران معصوم(ع) در اختيار شيعيان قرار مي‌گرفت.**

**بررسي‌ها حكايت از آن دارد كه پس از دو امام يادشده و پيش از امام حسن عسکري(ع) وجود مقدس ثامن الحجج علي‌بن موسي الرضا (ع) سهم چشم‌گيري در روايات مهدوي داشت.**

**البته شمار محدود اين روايات سبب شده تا بسياري از مباحث مهدويت در سخنان آن امام همام انعكاس نيابد اما هر آنچه در فرمايشات آن بزرگوار آمده، و اينك به دست ما رسيده است، غنيمتي است ارزشمند كه بررسي آن مي‌تواند افق‌هاي روشن‌تري را در اين مباحث فراروي مشتقان بگشايد.**

**ما در اين نوشتار بر آن هستيم تا بر اساس سير تاريخي مباحث مهدوي با بهره‌مندي از سخنان آن امام همام به مباحث يادشده در كلام نوراني امام هشتم عليه الصلاه و السلام بپردازيم.**

**بررسي‌ها نشان مي‌دهد به طور عمده روايات آن حضرت در محورهاي زير است:**

**1-ولادت حضرت مهدی (عج)**

**يكي از حوادث مهمّ در تاريخ بشر، ولادت آخرين ذخيرة الهي و موعود امت ها حضرت مهدي(عج) است به گونه‌اي كه اصل ولادت آن حضرت، جزو مسلمات تاريخ به شمار مي آيد و نه تنها امامان معصوم (ع) و دانشمندان و تاريخ‌ نويسان شيعه به اين مهمّ اشاره كرده اند؛ بلكه مورخان و محدثاني چند از اهل سنّت نيز به اين حادثه بزرگ تصريح نموده، آن را يك واقعيت تحقق يافته دانسته‌اند. اين ولادت نقطة عطفي در تاريخ زندگي بشر بر روي كره زمين است.**

**-فلسفه مخفی بودن ولادت حضرت**

**يکي از ويژگي هاي مهم ولادت حضرت مهدي(عج)، مخفي بودن آن است. اين امر در سخنان معصومين (ع) مورد اشاره قرارگرفته و با تعابير متفاوت و فراواني به آن اشاره شده است[[1]](#footnote-1). و برخي از امامان به فلسفه اين مخفي بودن نيز اشاره كرده‌اند. از جمله روايت زير است:**

**ايوب بن نوح گويد به حضرت رضا(ع) عرض كردم: من اميدوارم كه شما صاحب الامر باشيد، و خدا امر امامت را بدون شمشير و خونريزي به شما رساند، زيرا براي شما (به ولايت عهدي مأمون) بيعت گرفته شده و به نام شما سكّه زده‏اند، حضرت فرمود:**

**هيچ كس از ما خاندان نيست كه مكاتبات داشته باشد و با انگشت به سويش اشاره كنند و از او مسأله بپرسند و اموال برايش برند، جز اينكه يا ترور شود و يا در بستر خود بميرد.**

**…حَتَّي يَبْعَثَ اللَّهُ لِهَذَا الْأَمْرِ غُلَاماً مِنَّا خَفِيَّ الْوِلَادَةِ وَ الْمَنْشَإِ غَيْرَ خَفِيٍّ فِي نَسَبِهِ؛[[2]](#footnote-2) تا زماني كه خدا براي اين امر (امامت) كودكي را از ما خاندان مبعوث كند كه ولادت و وطن او نهانست ولي نسبت و دودمانش نهان نيست.**

**مرحوم نعماني اين روايت را به صورت «غُلَاماً مِنَّا خَفِيَّ الْمَوْلِدِ»[[3]](#footnote-3)، نقل كرده است. شيخ صدوق نيز اين روايت را نقل كرده است با اين تفاوت كه به جاي «غُلَاماً مِنَّا» «رَجُلًا»[[4]](#footnote-4) ذكر كرده است. البته اگر چنانچه «غُلَاماً» را بپذيريم اشاره به امر امامت آن حضرت در سن كودكي و اگر«رَجُلًا» را بپذيريم اشاره به امر قيام جهاني آن حضرت است.**

**از آنجايي كه هر سه روايت به يك نفر مي‌رسد به نظر مي‌رسد يك روايت باشد.**

**-امتحان شیعیان**

**يكي از حكمت‏هاي پنهاني‌هاي زندگي حضرت مهدي(عج) آزمايش مردم است. از آن‌جا كه اين نوع آزمايش، به دليل عدم حضور ظاهري امام، بسيار مشكل و طاقت‌فرسا است، در تكامل روحي انسان‏ها نقش بسيار مهم و مؤثري دارد. با اين آزمايش است که آشكار مي‌شود چه كسي ثابت قدم و استوار، و چه كسي در ايمان و اعتقاد سست و مردد است.**

**محمّد بن أبي يعقوب بلخيّ گويد: شنيدم كه امام رضا(ع) فرمود:**

**إِنَّكُمْ سَتُبْتَلَوْنَ بِمَا هُوَ أَشَدُّ وَ أَكْبَرُ تُبْتَلَوْنَ بِالْجَنِينِ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَ الرَّضِيعِ حَتَّي يُقَالَ غَابَ وَ مَاتَ وَ يَقُولُونَ لَا إِمَامَ وَ قَدْ غَابَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ غَابَ وَ غَابَ وَ هَا أَنَا ذَا أَمُوتُ حَتْفَ أَنْفِي؛[[5]](#footnote-5) شما در آتيه نزديك به چيزي هر چه شديدتر و بزرگتر آزمايش خواهيد شد، به طفلي در شكم مادر خود، و كودكي شيرخوار امتحان خواهيد شد تا آنكه گفته شود از ديده‏ها پنهان شد و مرد، و بگويند: ديگر امامي نيست، در حالي كه رسول خدا (ص) غايب شد و باز غايب شد و غايب شد (يك بار در غار حرا و يك بار در شعب ابي طالب خانه عبد اللَّه بن ارقم و يك بار هم در غار ثور)، و اين هم من كه به مرگ خواهم مرد (يعني او من نخواهد بود و من به مرگ مي‏ميرم نه به شمشير).**

**البته این روایت را فقط نعمانی نقل کرده و مرحوم علامه مجلسی از کتاب وی نقل کرده است[[6]](#footnote-6) و در منبع روایی دیگری به آن اشاره نشده است.**

**2-ویژگی های حضرت مهدی (عج)**

**-حرمت نام بردن**

**در آموزه‌هاي اعتقادی شيعه، «مهدويّت»، از پر رمز و رازترين معارف اعتقادي است. از ولادت پنهان حضرت مهدي(عج) گرفته، تا پنهان زيستي او؛ از چگونگي زندگي آن حضرت گرفته تا عمر طولاني اش؛ از چگونگي غيبت ايشان گرفته تا ظهور، قيام و حكومت جهاني بر كرة زمين و... اينها، اسراري است كه بر عموم مردم، پوشيده مانده و برخي جزو اسرار الهي تلقي شده است.**

**يكي از اين موارد، نام بردن آن حضرت به نام مخصوص (م ح م د) است. اين بحث همواره مورد توجه دانشمندان و بزرگان شيعه بوده و در روايات فراواني از معصومين مورد اشاره قرار گرفته است.**

**مرحوم كليني با ذكر سند به نقل از ريان بن صلت گويد از حضرت رضا(ع) شنيدم كه چون راجع به قائم سؤال شد، فرمود:**

**… وَ لَا يُسَمَّي اسْمُهُ؛[[7]](#footnote-7) ... و نامش برده نشود.**

**شيخ صدوق همين روايت را از ريان بن صلت در دو جا از كتاب كمال الدين و تمام النعمه، با اندک تفاوتی در سند نقل كرده، با اين تفاوت كه به جاي «وَ لَا يُسَمَّي اسْمُهُ»، «وَ لَا يُسَمَّي بِاسْمِه»[[8]](#footnote-8) آورده است.**

**-خاتمیت مهدی**

**يكي از ويژگي‌هاي حضرت مهدي(عج) خاتم الاوصيا (پايان بخش جانشينان پيامبر اكرم (ص)) بودن ايشان است. اين مطلب در بيانات پيشوايان معصوم (ع) اشاره شده است و آنگاه به طور روشن بر زبان خود آن حضرت در كودكي ـ آن گاه كه در آن سنين لب به سخن گشود ـ جاري شد.[[9]](#footnote-9)**

**حسن بن علي خزاز گفت: علي بن ابي حمزه خدمت حضرت رضا (ع)رسيد و عرض كرد: آقا شما امام هستيد؟ فرمود: آري. او گفت: من از جدت جعفر بن محمّد (ع) شنيدم كه مي‌فرمود امام نمي‏باشد مگر كسي كه داراي فرزند باشد.**

**آن جناب فرمود:**

**فراموش كرده‏اي يا خود را به فراموشي زده‏اي پيرمرد! حضرت صادق(ع) چنين نفرمود آن جناب فرمود:**

**لَا يَكُونُ الْإِمَامُ إِلَّا وَ لَهُ وَلَدٌ إِلَّا الْإِمَامُ الَّذِي يَخْرُجُ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ فَإِنَّهُ لَا عَقِبَ لَهُ؛ امام نخواهد بود مگر كسي كه داراي فرزند باشد مگر آن امامي كه حسين بن علی (ع) در زمان او خارج مي‏شود و (رجعت مي‌نمايد) كه او داراي فرزند نخواهد بود.**

**عرض كردم: راست مي‌گویيد فدايتان شوم! همين طور از جدتان شنيدم.[[10]](#footnote-10)**

**شیخ طوسی این روایت را در کتاب الغیبه آورده است.[[11]](#footnote-11) و كشي آن را با اندك تفاوتي در کتاب خود نقل كرده است.[[12]](#footnote-12)**

**3-غیبت حضرت مهدی (عج)**

**سال‌ها پيش از زاده ‌شدن حضرت مهدي(عج) آن‌گاه که معصومان (ع) از آن حضرت سخن مي‌گفتند، بي‌درنگ به پنهان‌زيستي آن حضرت نيز اشاره مي‌کردند. اين پافشاري، بيش از آن‌که در جهت آگاه کردن شيعيان باشد، براي زمينه‌سازي و آماده‌کردن آن‌ها بود.**

**آنچه بر رمز و راز اين مسأله مي‌افزود، پافشاري معصومان (ع) بر سِرّ بودن اين حادثه بود؛ اگر چه گاهي به تناسب، گفته‌هاي ارزنده‌اي دربارة آن، به پيروان خود مي‌فرمودند.**

**-چگونگی غیبت**

**مرحوم كليني با ذكر سند به نقل از ريان بن صلت گويد از حضرت رضا(ع) شنيدم كه چون راجع به قائم سؤال شد، فرمود:**

**لَا يُرَي جِسْمُهُ وَ ...؛[[13]](#footnote-13) شخصش ديده نشود و . …**

**شيخ صدوق همين روايت را به نقل از ريان بن صلت در دو جا از كتاب كمال الدين و تمام النعمه[[14]](#footnote-14) ذكر كرده است.**

**-فلسفه غیبت**

**بحث از چرايي‌ها و سبب‌هاي پنهان‌زيستي حضرت مهدي(عج) يکي از بحث‌هايي است که همواره مورد توجه علاقه‌مندان به مباحث مهدويّت بوده است.[[15]](#footnote-15) امام رضا(ع) نيز به برخي از فلسفه‌هاي غيبت اين‌گونه اشاره كرده‌اند:**

**زیر بیعت نبودن کسی:**

**مضمون برخي روايات، اين است كه آن حضرت، با غيبت خود، از بيعت با طاغوت‏هاي زمان در امان خواهد بود.**

**حسن بن عليّ بن فضّال از امام رضا(ع) نقل كرده است كه حضرت فرمودند:**

**كَأَنِّي بِالشِّيعَةِ عِنْدَ فَقْدِهِمُ الثَّالِثَ مِنْ وُلْدِي يَطْلُبُونَ الْمَرْعَي وَ لَا يَجِدُونَهُ؛ گويا شيعه را مي‏بينم، آن زمان كه سومين نفر از فرزندانم را نمي‏يابند و بدنبال اين هستند كه كسي امور آنان را بدست گيرد و شؤونشان را تدبير نمايد ولي او را نمي‏يابند،**

**عرض كردم: چرا يا ابن رسول اللَّه؟!**

 **حضرت فرمودند:**

**لِأَنَّ إِمَامَهُمْ يَغِيبُ عَنْهُمْ؛ زيرا امامشان غائب مي‏گردد،**

**عرض كردم چرا؟**

**فرمودند:**

 **لِئَلَّا يَكُونَ فِي عُنُقِهِ لِأَحَدٍ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ؛[[16]](#footnote-16)‏ زيرا در هنگام قيام، بيعت كسي در گردن او نباشد (و با إجبار با ظالم زمان خود بيعت نكرده باشد).**

**اين روايت را شيخ صدوق با اندك تفاوتي در دو كتاب دیگر خود نیز نقل كرده است.[[17]](#footnote-17) علامه مجلسی نیز از این دو کتاب در دو جا روایت را آورده است[[18]](#footnote-18).**

**-آزمایش های سخت**

**يكي ديگر از حكمت‏هاي غيبت حضرت مهدي(عج) آزمايش مردم است.**

**صفوان بن يحيي گويد: امام رضا(ع) فرمود:**

**وَ اللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّي تُمَحَّصُوا وَ تُمَيَّزُوا وَ حَتَّي لَا يَبْقَي مِنْكُمْ إِلَّا الْأَنْدَرُ فَالْأَنْدَرُ؛[[19]](#footnote-19) آنچه شما چشمان خود را به سويش مي‏داريد (منتظر و چشم به راه آن هستيد) واقع نخواهد شد تا اينكه پاكسازي و جداسازي شويد و تا اينكه نماند از شما مگر هر چه كمتر و كمتر».**

**البته در دو نقل ديگر نخست شیخ مفید(م413ق)[[20]](#footnote-20) و پس از آن مرحوم اربلي(م693ق)، اين روايت به جاي «مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ» جمله «مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْنَاقَكُمْ» ذكر شده، با اضافه‌اي اين‌گونه نقل كرده است:**

**لايكون ما تمدون أعناقكم إليه حتي تميزوا و تمحصوا فلا يبقي منكم إلا القليل ثم قرأ الم أَ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لا يُفْتَنُونَ ثم قال إن من علامات الفرج حدثا يكون بين المسجدين و يقتل فلان من ولد فلان خمسة عشر كبشا من العرب؛[[21]](#footnote-21) كه مكشيد چشم‌هاي خود را به سوي او تا تميز كرده شوند، و آزموده گردند خلايق، پس باقي نماند از شما مگر اندكي، بعد از آن خواند اين آيت را كه الم أَ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لا يُفْتَنُونَ (عنكبوت/1-2) پس از آن فرمود: از علامات فرج پديده‌اي باشد كه واقع شود ميان هر دو مسجد، و بكشد فلان ولد فلان پانزده كس از عرب.**

**علامه مجلسی نیز آن را به نقل از نعمانی آورده است.[[22]](#footnote-22)**

**-خضر از همراهان مهدی در عصر غیبت**

**حسن بن عليّ بن فضّال گويد از امام رضا(ع) شنيدم كه مي‏فرمود:**

**إِنَّ الْخَضِرَ(ع) شَرِبَ مِنْ مَاءِ الْحَيَاةِ فَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ حَتَّي يُنْفَخَ فِي الصُّورِ وَ إِنَّهُ لَيَأْتِينَا فَيُسَلِّمُ فَنَسْمَعُ صَوْتَهُ وَ لَا نَرَي شَخْصَهُ وَ إِنَّهُ لَيَحْضُرُ حَيْثُ مَا ذُكِرَ فَمَنْ ذَكَرَهُ مِنْكُمْ فَلْيُسَلِّمْ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ فَيَقْضِي جَمِيعَ‏ الْمَنَاسِكِ وَ يَقِفُ بِعَرَفَةَ فَيُؤَمِّنُ عَلَي دُعَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيُؤْنِسُ اللَّهُ بِهِ وَحْشَةَ قَائِمِنَا فِي غَيْبَتِهِ وَ يَصِلُ بِهِ وَحْدَتَه؛[[23]](#footnote-23) خضر(ع) از آب حيات نوشيد و او زنده است و تا نفخ صور نخواهد مرد و او نزد ما مي‏آيد و سلام مي‏كند و آوازش را مي‏شنويم امّا شخصش را نمي‏بينيم و او هر جا كه ياد شود حاضر مي‏شود و هر كه او را ياد كند بايستي بر او سلام كند و او همه ساله در موسم حجّ حاضر مي‏شود و همه مناسك را به جا مي‏آورد و در بيابان عرفه وقوف مي‏كند و بر دعاي مؤمنين آمين مي‏گويد و خداوند به واسطه او تنهائي قائم ما را در دوران غيبتش به انس تبديل كند و غربت و تنهائيش را با وصلت او مرتفع سازد.**

**قطب الدین راوندی (م573ق) روایت را با اضافه ای در پایان آن نقل کرده[[24]](#footnote-24) و مرحوم مجلسی نیز آن را از کمال الدین و تمام النعمه آورده است.[[25]](#footnote-25)**

**4-انتظار حضرت مهدی (عج)**

**شادابي و پويايي بشر در طول دوران زندگي فردي و اجتماعي، مرهون نعمت «اميد» و «انتظار» است. اگر انسان، به آينده اميدي نداشته باشد، زندگي برايش مفهوم چنداني نخواهد داشت. آنچه انسان را به زندگي اميدوار مي‌كند و آن را جاذبه‌دار مي‌سازد و نگراني‌ها و ناراحتي‌ها را براي او آسان مي‌نمايد، انتظار و اميد به آينده‌اي روشن و رشدآفرين است که در آن، به تمام نيازهاي روحي و جسمي او به طور کامل پاسخ داده شود. آدمي در پرتو همين انتظار و اميد، رنج‌ها و گرفتاري‌ها را تحمل مي‌كند و با كشتي اميد و آرزو در درياي متلاطم و طوفان‌زاي زندگي، به سير خود ادامه مي‌دهد.**

**شيعه، با بهره‌گيري از آموزه‌هاي اهل بيت(ع)، اين اميد و انتظار به آينده را در متعالي‌ترين نوع خود، فراراه انسان‌هاي آزادانديش و آزادي‌خواه قرار داده است.**

**-فضیلت انتظار فرج**

**مرحوم عیاشی (م320ق) در تفسیر خود از احمد بن محمد گويد از امام رضا(ع) شنيدم كه فرمود:**

**مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ انْتِظَارَ الْفَرَجِ؛[[26]](#footnote-26) چقدر صبر پيشه گرفتن و انتظار فرج كشيدن نيكو است!**

**شیخ صدوق نیز روایت را در کتاب خود آورده است.[[27]](#footnote-27)**

**و در جاي ديگر از آن امام همام به نقل جدّ بزرگوار خود رسول اكرم (ص) نقل كرده است:**

**أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي انْتِظَارُ فَرَجِ اللَّهِ؛‏[[28]](#footnote-28) افضل اعمال امت من انتظار كشيدن آنها است گشايش خدا را در امورات.**

**5- اشتياق امام رضا(ع) به حضرت مهدي(عج)**

**يکي از وظايف مهم شيعيان، محبت و دوستی امام است و هر قدر محبت بيشتر شد، نشان از وجود سنخيت با آن انوار مقدس است. اين هم‌سنخي نيز هر قدر افزايش يابد، نشان از تقرّب به ذات اقدس الهي است و اين والاترين کمال است.**

**از آنجايي که خود پيشوايان معصوم(ع) به مقام والاي امام و امامت شناختي کامل دارند؛ وقتي سخن از يك امام پيش مي‌آيد، در نهايت بزرگداشت از او ياد مي كنند.**

**در منابع معتبر اوليه نقل شده است كه: عبدالسلام هروي گويد: از دعبل‌ بن خزاعي شنيدم که مي‌گفت: بر مولاي خود امام رضا(ع) قصيدة خود را خواندم که چنين آغاز مي‌شود:**

**مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَتْ مِنْ تِلَاوَةٍ وَ مَنْزِلُ وَحْيٍ مُقْفِرُ الْعَرَصَاتِ‏**

**و چون به اين ابيات رسيدم:**

**خُرُوجُ إِمَامٍ لا مَحَالَةَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَي اسْمِ اللَّهِ وَ الْبَرَكَاتِ‏**

**يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ وَ يُجْزِي عَلَي النَّعْمَاءِ وَ النَّقِمَاتِ**

**امام رضا(ع) به سختي گريست. سپس سر خود را بلند کرده و به من فرمود:**

**يَا خُزَاعِيُّ نَطَقَ رُوحُ الْقُدُسِ عَلَي لِسَانِكَ بِهَذَيْنِ الْبَيْتَيْنِ فَهَلْ تَدْرِي مَنْ هَذَا الْإِمَامُ وَ مَتَي يَقُومُ؛ اي خزاعي! روح‌القدس اين دو بيت را بر زبان تو جاري کرده است آيا مي‌داني اين امام کيست و کي قيام خواهد کرد؟**

**گفتم:**

**خير اي سرورم، جز اينكه شنيده‏ام امامي از شما خاندان خروج مي‌كند و روي زمين را از فساد پاك و جهان را پر از عدل و داد مي‏نمايد،**

**آن جناب فرمود:**

**الْإِمَامُ بَعْدِي مُحَمَّدٌ ابْنِي وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ عَلِيٌّ وَ بَعْدَ عَلِيٍّ ابْنُهُ الْحَسَنُ وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ الْمُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّي يَخْرُجَ فَيَمْلَأَهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً وَ أَمَّا مَتَي فَإِخْبَارٌ عَنِ الْوَقْتِ وَ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّ النَّبِيَّ ص قِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ص مَتَي يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ فَقَالَ مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ لا يُجَلِّيها لِوَقْتِها إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ لا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً؛[[29]](#footnote-29) اي دعبل، امام پس از من فرزندم محمّد است، و پس از محمّد پسرش عليّ و پس از وي فرزندش حسن و پس از او ولدش حجّت قائم كه در زمان غيبتش انتظار او را كشند و در زمان حضور و ظهورش بر همه جهانيان مطاع و فرمانده باشد، و اگر از روزگار باقي نماند مگر يك روز، خداوند، آن‏ يك روز را طولاني ميكند تا او خارج شود و روي زمين را پر از عدل و داد كند، همچنان كه پر از ظلم و جور شده است، و امّا كي و در چه وقت اين واقعه روي خواهد داد؟ اين مانند از خبر دادن بوقت قيامت است، و پدرم براي من از پدرش از اجداد بزرگوارش حديث كرد كه برسول خدا گفتند: يا رسول اللَّه چه وقت قائمي كه از ذرّيّه شماست خروج مي‏كند؟ فرمود: مثل آن مثل ساعت قيامت است كه آشكار نكند آن را مگر خداوند، بسيار گران است آن بر اهل آسمانها و اهل زمين، نمي‏آيد آن مگر ناگهان، يعني همان طور كه قيامت وقتش براي احدي معلوم نيست اين قيام نيز بر كسي معلوم نخواهد بود امّا آمدنش براي بسياري از مردم گران تمام خواهد شد.**

**همه کساني که اين روايت را در منابع نخستين نقل کرده‌اند، به همين صورت ذکر کرده‌اند.[[30]](#footnote-30)**

**البته شيخ صدوق در جايي ديگر از كتاب عيون اخبار الرضا(ع) روايت را به تفصيل بيشتري نقل و در آنجا اين اضافه را از امام رضا(ع) بيان كرده است**

**وَ قَبْرٌ بِطُوسٍ يَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ تَوَقَّدُ فِي الْأَحْشَاءِ بِالْحُرُقَاتِ‏**

**إِلَي الْحَشْرِ حَتَّي يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِماً يُفَرِّجُ عَنَّا الْهَمَّ وَ الْكُرُبَاتِ‏[[31]](#footnote-31)**

**دعبل گفت: يا ابن رسول اللَّه بفرمائيد كه در طوس قبر كيست؟**

**حضرت فرمودند:**

**آن قبر من است كه روزگاري نمي‏گذرد مگر اينكه طوس محلّ آمد و رفت شيعيان و زوّار قبر من مي‏شود، و اعلام ميكنم كه هر كس مرا در زمان غربت قبرم در طوس زيارت كند او در درجه من با من همدم خواهد بود در حالي كه خداوند او را از گناه پاك و آمرزيده باشد.**

**سپس حضرت پس از اينكه قصيده دعبل بپايان رسيد از جاي برخاست و دعبل را گفت كه بر جاي خود بماند، و به درون خانه رفت، و ساعتي گذشت خادم آن حضرت با كيسه‏اي از زر كه داراي يك صد دينار بود بيرون آمد، و آن را به دعبل داد- و سكه آن دينارها بنام حضرت بود- و به دعبل گفت: مولايت فرموده است: اين كيسه زر را نفقه خود كن،**

**یادآور می شوم اين روايت در برخي منابع معاصرين با تغييراتي نقل شده كه مبناي ايستادن هنگام شنيدن لقب «قائم» است در اين نقل روايت است که چون دعبل، قصيدة معروف خود را براي امام رضا(ع) خواند، آن حضرت دست بر سر نهاده و به حالت تواضع ايستاد و براي فرج آن حضرت دعا کرد.[[32]](#footnote-32) كه البته با توجه به نقل متفاوت آن در منابع نخست، تأكيد بر اين نقل معاصر محل تأمل است.**

**6-ظهور حضرت مهدی (عج)**

**برانگيخته شدن و ظهور مهدي موعود(عج)، بزرگ‌ترين حادثه‌اي است كه در پايان دوران رخ مي‌دهد و به آرمان بلند همة پيامبران الهي و آرزوي همة انسان‌ها جامة عمل پوشانده مي‌شود. ظهور او به عنوان سرآغاز بنيان جهاني است كه در آن همة انسان‌ها بر محور عدل، آخرين صفحات كتاب زندگي روي زمين را به نگارش در مي‌آورند.**

**ظهور او عينيت بخشي به وعده‌هاي همة پيامبران الهي در تحقق جامعة آرماني بر مدار يكتاپرستي است. او نه فقط موعود آموزه‌هاي اديان الهي كه پاسخي است از خداوند به ميل دروني و نياز فطري همة انسان‌ها.**

**ظهور او، برانگيخته شدن انساني است بي‌مانند كه براي تحقق اهداف ديرينة همة انبيا و اولياي خداوند به پا مي‌خيزد تا به نور ايمان و عدالت، سرتاسر گيتي را روشن كند. در برخي روايات براي آن حضرت هنگام ظهور ويژگي‌هايي بيان شده است.**

**-ویژگی های جسمانی مهدی هنگام ظهور**

**ابو صَلت هَرَوي گويد: به امام رضا(ع) گفتم: علامات ظهور قائم شما چيست؟**

**فرمود:**

**عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السِّنِّ شَابَّ الْمَنْظَرِ حَتَّي إِنَّ النَّاظِرَ إِلَيْهِ لَيَحْسَبُهُ ابْنَ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ دُونَهَا وَ إِنَّ مِنْ عَلَامَاتِهِ أَنْ لَا يَهْرَمَ بِمُرُورِ الْأَيَّامِ وَ اللَّيَالِي حَتَّي يَأْتِيَهُ أَجَلُهُ؛[[33]](#footnote-33)‏ نشانه‏اش اين است كه در سنّ پيري است ولي منظرش جوان است به گونه‏اي كه بيننده مي‏پندارد چهل ساله و يا كمتر از آن است و نشانه ديگرش آن است كه به گذشت شب و روز پير نشود تا آنكه اجلش فرا رسد.**

**علامه مجلسی روایت را از کتاب کمال الدین و تمام النعمه نقل کرده است.[[34]](#footnote-34)**

**برخی با استفاده از این روایت احتمال طبیعی بودن مرگ آن حضرت را مطرح کرده‌اند.**

**-نشانه های ظهور**

**يكي از بحث‌هايي كه به گونه‌اي در كانون توجه علاقه‌مندان مباحث مهدويت و نيز دشمنان اين باور قرار گرفته، بحث «نشانه‌هاي ظهور» است.**

**نخستين گام بررسي کامل و نتيجه‌‌بخش اين بحث، مراجعه به روايات و سخنان بزرگان دين است كه از رخدادهاي شگرف و شگفت‌آور در پايان دوران حكايت دارند. و امامان معصوم به گونه‌هاي مختلفي به اين امور اشاره كرده‌اند.**

**احمد بن محمّد بن أبي نصر از امام رضا(ع) روايت كرده كه آن حضرت فرمود:**

**قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ السُّفْيَانِيُّ وَ الْيَمَانِيُّ وَ الْمَرْوَانِيُّ وَ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ فَكَيْفَ يَقُولُ هَذَا هَذَا؛[[35]](#footnote-35) پيش از اين امر، سفيانيّ و يمانيّ و مروانيّ و شعيب بن صالح بايد ظاهر شوند پس چگونه اين شخص (يعني محمّد بن ابراهيم بن اسماعيل كه معروف به ابن طباطبا است) چنين ادّعا مي‏كند؟**

**صرف نظر از چگونگی سند و محتوای روایت يگانه کسی که آن را نقل کرده مرحوم نعمانی در الغیبه و پس از آن علامه مجلسی در بحار الانوار است.[[36]](#footnote-36)**

**ناگفته نگذرم طبق روایات دیگر فقط سفیانی و یمانی در شمار نشانه‌های حتمی ظهور دانسته شده است.**

**-ندای آسمانی**

**يكي از نشانه‌هايي كه از آن به عنوان امري حتمي ياد شده است نداي آسماني است.**

**حسن بن محبوب از امام علي بن موسي الرضا (ع) روايت كرده كه در ضمن حديث طولاني ـ كه ما آنچه مورد احتياج بود از آن خلاصه كرديم ـ فرمود:**

**لَا بُدَّ مِنْ فِتْنَةٍ صَمَّاءَ صَيْلَمٍ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بِطَانَةٍ وَ وَلِيجَةٍ وَ ذَلِكَ عِنْدَ فِقْدَانِ الشِّيعَةِ الثَّالِثَ مِنْ وُلْدِي يَبْكِي عَلَيْهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ كَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَرَّانُ حَزِينٌ عِنْدَ فَقْدِ الْمَاءِ الْمَعِينِ كَأَنِّي بِهِمْ أَسَرَّ مَا يَكُونُونَ وَ قَدْ نُودُوا نِدَاءً يَسْمَعُهُ مَنْ بَعُدَ كَمَا يَسْمَعُهُ مَنْ قَرُبَ يَكُونُ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَ عَذَاباً عَلَي الْكَافِرِينَ فَقُلْتُ وَ أَيُّ نِدَاءٍ هُوَ قَالَ يُنَادَوْنَ فِي رَجَبٍ ثَلَاثَةَ أَصْوَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ صَوْتاً مِنْهَا أَلا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَي الظَّالِمِينَ وَ الصَّوْتَ الثَّانِيَ أَزِفَتِ الْآزِفَةُ يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الصَّوْتَ الثَّالِثَ يَرَوْنَ بَدَناً بَارِزاً نَحْوَ عَيْنِ الشَّمْسِ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ كَرَّ فِي هَلَاكِ الظَّالِمِينَ؛[[37]](#footnote-37) آشوبي روي مي‌دهد كه زيركان و شخص با احتياطي كه از خواص ما مي‌باشند نيز دامنش به آن ورطه كشيده مي‏شود و اين هنگامي است كه شيعيان سومين (امام) از اولاد مرا از دست بدهند. اهل آسمان و زمين بر وي گريه مي‌كنند. چه بسيارند مؤمناني كه هنگام از دست رفتن «ماء معين» آب صاف و زلال (قائم) متأسف و تشنه و محزون مي‌باشند.**

**گويا آنها را مي‏بينم كه بسيار مسرورند! آنها را صدا مي‌زنند و آن صدا از دور شنيده مي‏شود. چنان كه از نزديك شنيده مي‏شود، و آن صدا براي اهل ايمان رحمت و براي كفار عذاب است، عرض كردم: آن صدا چيست؟ فرمود: در ماه‏ رجب سه صدا از آسمان شنيده مي‏شود: صداي اول اينست: «أَلا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَي الظَّالِمِينَ» يعني آگاه باشيد خدا مردم ستمگر را لعنت مي‏كند، صداي دوم ميگويند: اي اهل ايمان روز رستخيز نزديك است و در صداي سوم شخصي را در سمت خورشيد مي‏بينند كه مي‌گويد: اين امير المؤمنين است كه براي كشتن بيدادگران حمله مي‏آورد.**

**اين روايت پیش از شیخ طوسی با اندک تفاوتي در الغیبه نعمانی[[38]](#footnote-38) و دو کتاب از آثار شیخ صدوق نقل شده است.[[39]](#footnote-39) و برخی از بزرگان چون طبری[[40]](#footnote-40) و قطب الدین راوندی[[41]](#footnote-41) نیز آن را نقل کرده اند.**

**-امدادهای الهی در عصر ظهور**

**بي‌گمان عواملي چند دست به هم داده و زمينه‌هاي پيروزي حضرت مهدي(عج) را در قيام جهاني فراهم مي‌كنند. اساسي‌ترين و اصلي‌ترين عامل اين پيروزي، شخصيت خود آن حضرت است؛ آن‌گاه ياران و ياوران ايشان و در كنار آن دو، امدادهاي غيبي خداوند نقش آفرين است.**

**اگــر چه اســاس اين قيــام بزرگ، بر امــور طبيعي و سنت‌هاي جاري خداوند است؛ اما به اقتضاي عظمت و گستردگي آن در همه كرة زمين، و نيز مجهز بودن دشمنان به امكانات بسيار و پيشرفته، خداوند برخي از نيروهاي پنهان و فوق طبيعي را در اختيار او قرار خواهد داد تا موجبات پيروزي ايشان، هر چه بهتر فراهم شود. در برخي از سخنان پيشوايان معصوم (ع) به اين امدادها اشاره شده است.**

**-نزول فرشتگان**

**مهم‏ترين مصداق كمك‌هاي پنهان خداوند، آمدن فرشتگان به ياري پيامبران و اولياي خود است. بخش قابل توجهي از آيات قرآن، از ياري فرشتگان به پيامبر اكرم (ص) و مسلمانان در جنگ‌هاي صدر اسلام حكايت مي‌كند.[[42]](#footnote-42) در برخي روايات از فرشتگان به عنوان امدادهاي الهي در قيام حضرت مهدي(ع) ياد شده است.**

**شيخ صدوق در روايتي مفصل در بارة شهادت امام حسين(ع) به نقل از ريان بن شبيب گويد: ... امام رضا(ع) فرمود:**

**…وَ لَقَدْ نَزَلَ إِلَي الْأَرْضِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَرْبَعَةُ آلَافٍ لِنَصْرِهِ فَوَجَدُوهُ قَدْ قُتِلَ فَهُمْ عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْثٌ غُبْرٌ إِلَي أَنْ يَقُومَ الْقَائِمُ فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ شِعَارُهُمْ يَا لَثَارَاتِ الْحُسَيْنِ؛[[43]](#footnote-43) ... و چهار هزار فرشته براي ياريش به زمين آمدند و ديدند كشته شده و بر سر قبرش ژوليده و خاك آلود باشند تا قائم(ع) ظهور كند و ياريش كند و شعار آنها «يا لثارات الحسين» است.**

**وي همچنين روايت را در كتاب ديگر خود با اندك تفاوتي نقل كرده است.[[44]](#footnote-44)**

**البته طبری در دلائل الامامه در اين موضوع روایتی را نقل کرده که در هیچ کتاب دیگری حتی مضمون آن هم نیامده است. در این روایت می خوانیم محمد بن فضيل از امام رضا(ع) نقل كرده كه فرمود:**

**إذا قام القائم يأمر الله الملائكة بالسلام علي المؤمنين و الجلوس معهم في مجالسهم فإذا أراد واحد حاجة أرسل القائم من بعض الملائكة أن يحمله فيحمله الملك حتي يأتي القائم فيقضي حاجته ثم يرده و من المؤمنين من يسير في السحاب و منهم من يطير مع الملائكة و منهم من يمشي مع الملائكة مشيا و منهم من يسبق الملائكة و منهم من يتحاكم الملائكة إليه و المؤمن أكرم علي الله من الملائكة و منهم من يصيره القائم قاضيا بين مائة ألف من الملائكة؛[[45]](#footnote-45) آن هنگام كه قائم قيام كند خداوند به فرشتگان فرمان دهد تا بر مؤمنان سلام كنند و در مجالسشان با آنان همنشين شوند، و چون يكي از آنان حاجتي داشت حضرت مهدي فرشته‌اي را بفرستد تا او را نزد آن حضرت آورد پس فرشته وي را نزد آن حضرت آورد و ايشان حاجت او را برآورده كند... .**

**7-قیام حضرت مهدی (عج)**

**بر خلاف تصور برخي انسان‌ها همواره پيشوايان معصوم (ع) از سختي‌هاي قيام جهاني حضرت مهدي(ع) سخن به ميان مي‌آوردند.**

**معمّر بن خلّاد گويد: نزد امام ابي الحسن الرّضا(ع) از قائم(ع) ياد شد پس فرمود:**

**أَنْتُمُ الْيَوْمَ أَرْخَي بَالًا مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ قَالُوا وَ كَيْفَ قَالَ لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُنَا لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْعَلَقُ وَ الْعَرَقُ وَ النَّوْمُ عَلَي السُّرُوجِ وَ مَا لِبَاسُ الْقَائِمِ(ع) إِلَّا الْغَلِيظُ وَ مَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ؛[[46]](#footnote-46)‏ شما امروز آسوده‏تر از آن روز هستيد، عرض كردند: چگونه؟ فرمود: اگر قائم ما عليه السّلام خروج كند جز خون بسته شده و عرق و بر روي زين‏هاي اسبان خفتن چيزي در كار نخواهد بود و لباس قائم(ع) جز جامه خشن و خوراك او جز غذاي ناگوار و نامطبوع نخواهد بود.**

 **در اين روايت آن حضرت ذهنيت نادرست برخي را در اين زمينه اصلاح كرده آنها را به آمادگي براي آن حركت بزرگ جهاني توصيه كرده است. اين روايت را فقط نعماني در دو جا از كتاب خود با اندك تفاوتي نقل كرده است و مرحوم مجلسي نقل مفصل‌تر را انتخاب و آن را نقل كرده است با اين تفاوت كه به جاي «وَ النَّوْمُ عَلَي السُّرُوجِ » «وَ القوْمُ عَلَي السُّرُوجِ » آورده است.[[47]](#footnote-47) كه البته معناي اين بخش روايت متفاوت خواهد شد.**

**-انتقام حضرت مهدی از قاتلان امام حسین (ع)**

**يكي از ابعاد قيام حضرت مهدي(عج) ـ افزون بر جنبه‌هاي اصلاح‌گري، انسان‌سازي، عدالت گستري، كمال بخشي و احياگري دين خداوند ـ خون‌خواهي از دشمنان خداوند، پيامبر اعظم(ص)، اهل بيت (ع) و همة ستمديدگان تاريخ است. كه البته در اين ميان خونخواهي از سيد الشهدا(ع) از ويژگي خاصي برخوردار است. بنابراين با استفاده از روايات حقيقت اين انتقام روشن مي‌شود.**

**شيخ صدوق در دو كتاب از آثار خود نقل كرده كه عبد السلام ابن صالح هروي مي‏گويد: محضر مبارك حضرت ابي الحسن علي بن موسي الرضا (ع) عرض كردم: اي فرزند رسول خدا در باره روايتي كه از امام صادق(ع) نقل شده و آن حضرت فرمودند: هر گاه حضرت قائم عجّل اللَّه تعالي فرجه الشريف خروج كنند فرزندان قاتلين امام حسين(ع) را به خاطر كردار پدرانشان مي‏كشد چه مي‏فرماييد؟**

**حضرت فرمودند:**

 **هُوَ كَذَلِكَ؛ واقع همين است.**

**عرض كردم: پس فرموده حقّ تعالي در قرآن: وَ لا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْري؛ ‏«فاطر/18» (هيچ كس بار گناه ديگري را به دوش نگيرد) معنايش چيست؟**

**حضرت فرمودند:**

 **صَدَقَ اللَّهُ فِي جَمِيعِ أَقْوَالِهِ لَكِنَّ ذَرَارِيَّ قَتَلَةِ الْحُسَيْنِ يَرْضَوْنَ أَفْعَالَ آبَائِهِمْ وَ يَفْتَخِرُونَ بِهَا وَ مَنْ رَضِيَ شَيْئاً كَانَ كَمَنْ أَتَاهُ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا قُتِلَ فِي الْمَشْرِقِ فَرَضِيَ بِقَتْلِهِ رَجُلٌ فِي الْمَغْرِبِ لَكَانَ الرَّاضِي عِنْدَ اللَّهِ شَرِيكَ الْقَاتِلِ وَ إِنَّمَا يَقْتُلُهُمُ الْقَائِمُ إِذَا خَرَجَ لِرِضَاهُمْ بِفِعْلِ آبَائِهِمْ؛‏[[48]](#footnote-48) خداوند در تمام اقوالش صادق است ولي در عين حال بايد توجّه داشته باشي كه فرزندان قاتلين امام حسين عليه السّلام به افعال و كردار پدرانشان راضي بوده و به آنها افتخار مي‏كردند و به مقتضاي «كسي كه به چيزي راضي باشد همچون شخصي است كه آن چيز را انجام داده» فرزندان قاتلين همچون قاتلين سيّد الشهداء مي‏باشند.**

**و اگر شخص در مشرق كشته شود و ديگري در مغرب راضي و خشنود باشد شخص راضي نزد خدا، با قاتل شريك در قتل مي‏باشد و چون اين فرزندان به كردار پدرانشان راضي مي‏باشند لا جرم حضرت قائم عليه السّلام وقتي خروج نمودند ايشان را مي‏كشد.**

 **مرحوم شيخ حر عاملي[[49]](#footnote-49) و علامه مجلسي[[50]](#footnote-50) نيز روايت را در كتاب خود آورده‌اند.**

**8-رجعت**

**«رجعت» در کتاب‏هاي لغت، به معناي «بازگشت» است؛ يعني برگشتن به جايي که پيش‏تر در آن‌جا بوده است.[[51]](#footnote-51) اما در اصطلاح مهدويّـت، «رجعت» عبارت است از: بازگشت دو گروه از مردگان ـ مؤمنان محض و کافران محض ـ به صورت‏هاي پيشين خود،[[52]](#footnote-52) پس از ظهور حضرت مهدي(ع)،[[53]](#footnote-53) تا مؤمنان از برپايي حکومت جهاني عدل، دلشاد و کافران، از فرومايگي و پستي ستمگران، دلگير شوند.[[54]](#footnote-54)**

**باور به رجعت، که يکي از اعتقادات شيعه است، در طول تاريخ پُر فراز و فرود خود، همواره مورد توجه پیشوایان معصوم بوده است.**

**تميم قرشيّ به سند متن از حسن بن جهم روايت كرده كه گفت:**

**روزي به مجلس مأمون وارد شدم و حضرت رضا(ع) در آنجا بود، و علماي علم كلام و فقهاء از هر فرقه و طائفه‏اي در آن مجلس بودند، يكي از آنان از حضرت سؤال كرده گفت: يا ابن رسول اللَّه! به چه دليل امامت براي مدّعي آن ثابت مي‏شود؟ امام فرمود:**

**به نصّ و دليل، سائل پرسيد دلالت امام در چيست؟**

**…پس مأمون پرسيد كه شما در باره رجعت چه مي فرماييد؟**

**امام(ع) فرمود:**

**إِنَّهَا لَحَقٌّ قَدْ كَانَتْ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ وَ نَطَقَ بِهِ الْقُرْآنُ وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص) يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلُّ مَا كَانَ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ حَذْوَ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَ الْقُذَّةِ بِالْقُذَّةِ؛[[55]](#footnote-55) آن بجا و حقّ است، و در امتهاي پيشين هم بوده است، و قرآن مجيد هم بدان ناطق است، و رسول خدا(ص)هم فرموده: هر چه در امّتهاي سابق اتّفاق افتاده در اين امّت نيز اتّفاق خواهد افتاد بي‏كم و كاست طابق النّعل بالنّعل و بدون تفاوت (مانند پرهای تیر).**

**اين روايت فقط در كتاب شيخ صدوق آمده و مرحوم مجلسي نيز از اين كتاب نقل كرده است.[[56]](#footnote-56)**

**9ـ نزول حضرت عيسي(ع)**

**فرود آمدن پيامبر بزرگ خدا، عيسي بن مريم هنگام قيام امام مهدي(عج)، از ديدگاه همة مسلمانان، يك واقعيت ثابت و از اموري است كه ترديد در آن راه ندارد. اين حادثة بزرگ از شگفت‏ انگيزترين حوادث تاريخ، مهم‏ترين رخدادها، بزرگ‏ترين نشانه‏ها و پرشكوه‏ترين دليل‌ها بر حقانيت امام مهدي(ع) است.**

**در ادامه روایت بالا آن حضرت فرمود:**

**إِذَا خَرَجَ الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي نَزَلَ عِيسَي ابْنُ مَرْيَمَ(ع) فَصَلَّي خَلْفَهُ؛ هر گاه مهديّ امّت از اولاد من خروج كند عيسي بن مريم نازل شود، و پشت سر او با او نماز گزارد.**

**و فرمود:**

 **إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيباً وَ سَيَعُودُ غَرِيباً فَطُوبَي لِلْغُرَبَاءِ؛ اسلام با غريبي شروع شد و به زودي كه به غربت باز گردد، پس خوشا به حال غربا.**

**پرسيدند: يا رسول اللَّه سپس چه خواهد شد؟**

**فرمود:**

**ثُمَّ يَرْجِعُ الْحَقُّ إِلَي أَهْلِهِ؛[[57]](#footnote-57) سپس حقّ به صاحبش باز خواهد گشت.**

**به اميد آن روز نوراني**

**منابع و مآخذ**

**اربلي، علي بن عيسي، كشف الغمة في معرفة الائمة، تبريز، مكتبة بني هاشمي، 1381ق.**

**راوندي، قطب‏الدين، الخرائج ‏والجرائح، سه جلد، چاپ اول، قم، موسسه امام ‏مهدي(ع)، 1409ق.**

**خزاز قمي، علي بن محمّد، کفاية الاثر، قم، بيدار، 1401ق.**

**صدوق، محمد بن علي بن حسين بن بابويه، كمال الدين و تمام النعمة، قم، دارالكتب الاسلاميه، 1395ق.**

**صدوق، محمّدبن علي بن حسين بن بابويه، كمال الدين و تمام النعمة، دو جلد، چاپ دوم، قم، دارالكتب الاسلاميه، 1395 ق.**

 **ــــــــــــ، عيون اخبار الرضا(ع)، تهران، جهان، 1378ق.**

 **ــــــــــــ، أمالي، تهران، كتابخانه اسلاميه، 1362ش.**

**طبرسي، فضل بن حسن، اعلام الوري، تهران، دارالكتب الاسلاميه ]بي‌تا[.**

**طبري، محمّدبن جرير بن رستم، دلائل الامامة، قم، دارالذخائر للمطبوعات، بي‌تا.**

**طوسي، محمّدبن الحسن، كتاب الغيبة، چاپ اول، قم، موسسه معارف اسلامي، 1411 ق.**

**عُكبري، محمد بن محمد بن النعمان (شيخ مفيد)، الارشاد، قم، كنگره شيخ مفيد، 1413ق.**

**عياشي، محمد بن مسعود، تفسير عياشي، بيروت، منشورات اعلمي، 1417ق.**

**كشي، محمّدبن عمر، رجال كشي، دانشگاه مشهد، مشهد: 1348 ش.**

**كليني، محمّدبن يعقوب، الكافي، هشت جلد، چاپ چهارم، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1365ش.**

**مجلسي، محمّد باقر، بحارالانوار، 110 جلد، بيروت، موسسة الوفاء، 1404 ق.**

**مظفر، محمّدرضا، عقايد الاماميه، عليرضا مسجد جامعي، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، 1380ش.**

**مقدسي شافعي، يوسف بن يحيي، عقد الدرر في اخبار المنتظر، قم، ناصح، 1416ق.**

**نعماني، محمّد بن ابراهيم، الغيبة، تهران، مکتبة الصدوق، 1397 ق.**

**نيلي نجفي، علي بن عبدالکريم، منتخب الانوار المضيئة، قم، چاپخانه خيام، 1401 ق.**

1. شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمة، ج2، ص567. [↑](#footnote-ref-1)
2. محمد بن یعقوب کلینی، الكافي، ج1، ص341، ح25. [↑](#footnote-ref-2)
3. محمد بن ابراهیم نعماني، الغیبة، ص168، ح9. [↑](#footnote-ref-3)
4. شیخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمة، ج 2، ص 370، ح1. [↑](#footnote-ref-4)
5. محمد بن ابراهیم نعماني، الغیبة، ص180، ح27. [↑](#footnote-ref-5)
6. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 51، ص155، ح 7. [↑](#footnote-ref-6)
7. محمد بن یعقوب کلینی، الكافي، ج1، ص333، ح3. [↑](#footnote-ref-7)
8. شیخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمة، ج 2، ص 370، ح2؛ ص648، ح2. [↑](#footnote-ref-8)
9. شیخ طوسی، كتاب الغيبة، ص 246، ح 215؛ شیخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمة، ج 2، ص 441، ح 12. [↑](#footnote-ref-9)
10. محمد بن جریر طبری، دلايل الامامه، ص230. [↑](#footnote-ref-10)
11. شیخ طوسی، كتاب الغيبة، ص 224. [↑](#footnote-ref-11)
12. محمد بن عمر كشي، رجال الکشی، 463. [↑](#footnote-ref-12)
13. محمد بن یعقوب کلینی، الكافي، ج1، ص333، ح3. [↑](#footnote-ref-13)
14. شیخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمة، ج 2، ص 370، ح2؛ ص648، ح2. [↑](#footnote-ref-14)
15. البته توجّه به اين نكته ضروري است كه دانش دقيق و تفصيلي درباره اين چرايي‌ها و سبب‌ها, اگر چه مي‌تواند در باور به مهدويّت مؤثر باشد، بدان معنا نيست كه ندانستن آن خللي در اين باور ايجاد نمايد؛ از اين رو، آگاهي اجمالي به آن نيز كافي است. [↑](#footnote-ref-15)
16. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا (ع)، ج1، ص273، ح6. [↑](#footnote-ref-16)
17. علل الشرایع، ج1، ص245، ح6؛ كمال الدين و تمام النعمة، ج 2، ص 480، ح14. [↑](#footnote-ref-17)
18. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج51،ص152، ح1؛ ج 52، ص96، ح14. [↑](#footnote-ref-18)
19. محمد بن ابراهیم نعماني، الغیبة، ص208، ح15. [↑](#footnote-ref-19)
20. شیخ مفید، الارشاد، ج2، ص376. [↑](#footnote-ref-20)
21. علي بن عيسي اربلي، كشف الغمة في معرفة الائمة(ع)، ج2، ص461. [↑](#footnote-ref-21)
22. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج52،ص114، ح30. [↑](#footnote-ref-22)
23. شیخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمة، ج 2، ص 390، ح4. [↑](#footnote-ref-23)
24. قطب الدین راوندی، الخرائج والجرائح، ج 3، ص 1174. [↑](#footnote-ref-24)
25. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج13،ص299، ح17. [↑](#footnote-ref-25)
26. محمد بن مسعود عياشي، تفسير عياشي، ج2، ص 20. [↑](#footnote-ref-26)
27. شیخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمة، ج 2، ص 645، ح5. [↑](#footnote-ref-27)
28. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا(ع)، ج2، ص36، ح87؛ كمال الدين و تمام النعمة، ج 2، ص 644، ح3. [↑](#footnote-ref-28)
29. شيخ صدوق, کمال الدين و تمام النعمة, ج2, ص276, ح6. [↑](#footnote-ref-29)
30. علي بن محمد خزاز قمي, کفاية الاثر, ص276؛ شيخ صدوق, عيون اخبار الرضا , ج2, ص266؛ امين الاسلام طبرسي, اعلام الوري, ص331؛ علي بن عيسي اربلي, کشف الغمة, ج2, ص328؛ علي بن عبدالکريم نيلي, منتخب الانوار المضيئة, ص39؛ محمد باقر مجلسي, بحار الانوار, ج51, ص154؛ و کتاب های دیگر. [↑](#footnote-ref-30)
31. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا(ع)، ج2، ص263، ح34. [↑](#footnote-ref-31)
32. لما قرأ دعبل قصیدته المعروفه علی الرضا و ذکره عجل الله تعالی فرجه وضع الرضا (ع)یده علی رأسه و تواضع قائماً و دعی له بالفرج؛ لطف الله صافي گلپايگاني، منتخب الاثر، ص640, ح3. (لازم به ذکر است شبیه چنین تعبیری در هیچ یک از ده‌ها کتاب پیشینیان و پسینیان که این روایت را نقل کرده‌اند به چشم نمی‌خورد.) [↑](#footnote-ref-32)
33. شيخ صدوق, کمال الدين و تمام النعمة, ج2, ص652, ح12. [↑](#footnote-ref-33)
34. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج52، ص285، ح16. [↑](#footnote-ref-34)
35. محمد بن ابراهیم نعماني، الغیبة، ص253، ح12. [↑](#footnote-ref-35)
36. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج52، ص233، ح99. [↑](#footnote-ref-36)
37. شیخ طوسي، کتاب الغیبة، ص439. [↑](#footnote-ref-37)
38. محمد بن ابراهیم نعماني، الغیبة، ص180، ح28. [↑](#footnote-ref-38)
39. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا (ع) ج2، ص6، ح14؛ كمال الدين و تمام النعمة، ج 2، ص 370، ح3 و 4. [↑](#footnote-ref-39)
40. محمد بن جریر طبری، دلايل الامامه، ص245. [↑](#footnote-ref-40)
41. قطب الدین راوندی، الخرائج والجرائح، ج 3، ص 1168. [↑](#footnote-ref-41)
42. آل عمران (3) آيات 23 ـ 25. [↑](#footnote-ref-42)
43. شيخ صدوق، الامالي، ص129. [↑](#footnote-ref-43)
44. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا(ع)، ج1، ص299، ح58. [↑](#footnote-ref-44)
45. محمد بن جریر طبری، دلايل الامامه، ص241. [↑](#footnote-ref-45)
46. محمد بن ابراهیم نعماني، الغیبة، ص284، ح3؛ ص285، ح5. [↑](#footnote-ref-46)
47. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج52، ص358، ح126. [↑](#footnote-ref-47)
48. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج1، ص273، ح5؛ علل الشرايع، ج1، ص 229، ح1. [↑](#footnote-ref-48)
49. شيخ حر عاملي، وسائل الشيعة، ج16، ص138، ح21180. [↑](#footnote-ref-49)
50. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج52، ص313، ح6. [↑](#footnote-ref-50)
51. ر.ک: رازي، احمدبن فارس، معجم مقاييس اللغة؛ فيروزآبادي، مجدالدين محمدبن يعقوب، القاموس المحيط؛ راغب اصفهاني، مفردات الفاظ القرآن. [↑](#footnote-ref-51)
52. شيخ مفيد، اوائل المقالات في المذاهب و المختارات، (سلسله مؤلفات شيخ مفيد، ج4)، ص 77. [↑](#footnote-ref-52)
53. سيد مرتضي، جوابات المسائل الرازيه (رسائل الشريف، ج1)، ص 125. [↑](#footnote-ref-53)
54. مرحوم مظفر، عقايد الاماميه، ترجمة عليرضا مسجد جامعي، ص 294. [↑](#footnote-ref-54)
55. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج2، ص200، ح1. [↑](#footnote-ref-55)
56. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج25، ص134، ح6. [↑](#footnote-ref-56)
57. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج2، ص202. [↑](#footnote-ref-57)